

جوانان و عشق؛

تأثیر زمینه اجتماعی در مفهوم پردازی رابطه عاشقانه

مهشید صفایی

کارشناس ارشد مطالعات زنان

چکیده

در این مقاله تأثیر زمینه اجتماعی در مفهوم پردازی رابطه عاشقانه از دیدگاه جوانان بررسی شد. این پژوهش در صدد پاسخگویی به پرسش‌هایی از قبیل نگرش افراد به عشق، شناخت رفتارهای مربوط به حوزه روابط عاشقانه و آسیب‌های ناشی از تجارب عاشقانه بود و استراتژی‌های مورد استفاده جوانان را بررسی کرد. این پژوهش با استفاده از روش کیفی با رویکرد نظریه پردازی داده محور (نظریه مبنایی) و به کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته انجام شد. همچنین از شیوه نمونه‌گیری هدفمند برای نمونه‌گیری از میان جوانان ۱۹ - ۳۰ سال ساکن شهر تهران استفاده شد که به زعم خویش عشق را تجربه کرده‌اند. با استفاده از روش کدگذاری داده‌ها، مقوله‌هایی به دست آمد که با تحلیل آن‌ها از پدیده حاکم بر نگرش دختران شناخت حاصل شد. این پدیده «خطر هدفمند» نام‌گذاری شده است بدین ترتیب که به رغم تغییرات اجتماعی و به تبع آن، افزایش سن ازدواج، جامعه مدام بر اعتبار اجتماعی دختران از طریق ازدواج تأکید می‌کند و زمینه ساز ایجاد اضطراب ازدواج برای آن‌ها می‌شود. به همین خاطر، آن‌ها به پذیرش خطر ورود به روابط پیش از ازدواج با هدف رسیدن به نتیجه ازدواج مجبور می‌شوند و دست به خطری هدفمند می‌زنند. در حالی که در پسران این پدیده مشاهده نمی‌شود.

واژه‌گان کلیدی

رابطه عاشقانه، زمینه اجتماعی، اضطراب ازدواج، خطر هدفمند

مقدمه و طرح مسأله

عشق و روابط عاشقانه، جزئی لاینفک از ذهن و زندگی بشر امروز است. «نبرد جنسیت‌ها» که امروزه در جریان است آشکارترین نشانه «عطش عشق» در میان افراد است. انسان، به دلیل وجود عشق در درون خود ازدواج می‌کند و به دلیل وجود عشق اقدام به جدایی می‌کند. از دیدگاه بک و بک-گرنشایم، عشق، یگانه جایگاهی است که انسان می‌تواند در آن عرصه خود را به درستی بشناسد و به سایر انسان‌ها بپیوندد. عشق در آن واحد، یأس‌آور و تسلی‌بخش است؛ نیروی پر قدرتی است که از قواعد مختص به خویش پیروی می‌کند و پیام‌های خود را در انتظارات و اضطراب‌ها و الگوهای رفتاری مردم متجلی می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۶۲-۲۶۰).

عشق عاطفی انسان صورت‌های گوناگونی دارد. اولین سطح، غرایز شهوانی و نیروی زندگی را نشان می‌دهد و آخرین مرحله، کامل‌ترین مرتبه عشق، که اغلب عشق افلاطونی نامیده می‌شود، عشقی خدای‌گونه است (برادشاو، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۱۹۸). عشق افلاطونی ارتباطی با جسم و تمایلات جسمی ندارد و به قدری آرمان‌گرایانه است که به اسطوره تبدیل می‌شود. با وجود نهمی‌های اکیددی که پیرامون تمایلات جنسی تقریباً در تمام تمدن‌ها انجام شده است آمیختن و یکی شدن عشق و تمایلات جنسی سخت‌تر می‌شود. افراد زیادی هستند که به دلیل نداشتن تجربه و آموزش کافی، همین که کوچک‌ترین کشش جنسی را به همراه هیجان عاطفی احساس کردند می‌پندارند که «عشق بزرگ» را یافته‌اند (لپ، ۱۳۷۷: ۱۳۸).

عشق به‌عنوان تجربه‌ای که تمام وجود انسان را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد هر روزه قربانیان آشکار و پنهانی برجای می‌گذارد. گاهی ایجاد برخی از نگرش‌ها حرکت روابط عاطفی جوانان را به سمت عشق‌های بیمارگونه می‌کشاند. عشق‌های بازدارنده، عصبی و خودخواهانه که افسردگی، خودآزاری، اعتیاد، خودکشی، فحشاء و تغییر در نوع روابط و حتی گاهی رویدادهای خشن و ضدانسانی مانند اسیدپاشی و معشوق‌کشی را موجب می‌شود. همچنین تفاوت‌های نگرشی زنان و مردان در خصوص عشق، می‌تواند نهاد ازدواج را تحت تأثیر قرار داده و اختلال در روابط زناشویی را موجب شود.

تغییرات اجتماعی، جهانی شدن و تبعات آن از جمله ورود رسانه‌های فرهنگی دیگر و دادن فهم و نگرش جدید از مسائل به جوانان، شکافی ایجاد کرده که دیگر آن‌ها به دنبال



شناخت طرز تلقی و ایستارهای ذهنی نسل گذشته نیستند. دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه ارزش‌ها را تغییر داده و زمینه‌ساز ترک مسئولیت، بی‌توجهی و بی‌انضباطی شده و افراد را از آموختن هنر عشق ورزیدن باز می‌دارد. اضطراب و ترس از تنهایی، افراد را به سوی فرهنگ پرهیاهوی عشق در جامعه‌ای دیگر می‌کشاند. در نتیجه، افراد دچار گم‌گشتگی مکانی و زمانی می‌شوند، ریشه‌های فرهنگی و هویتی خود را از دست می‌دهند و با از یاد بردن تاریخ زندگی شخصی و فرهنگی خود، گاهی نیز به سبک و شیوه‌ای جهانی عمل می‌کنند. دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌ها به گونه‌ای است که حتی یافتن نگرشی ثابت نسبت به عشق در میان نسل جوان با دشواری همراه است، اما باید این نگرش کشف شود زیرا فهم و درک نگرش جوانان برای پیش‌بینی رفتار و کنش آن‌ها مهم است.

اگر افراد از نوع روابط و مناسبات این پدیده، فهم درستی داشته باشند شاید قربانیان حوادث عاطفی روز به روز کمتر شوند. فهم ارتباط میان انسان‌ها و به‌خصوص افزایش علم و آگاهی در خصوص مسائل ارتباطی بین زن و مرد، تصویر روشن‌تری از ابعاد مختلف روحی و روانی افراد خواهد داد. زمانی می‌توانیم از روابط دائمی و عشق در خانواده‌ها صحبت کنیم که اشخاصی که وارد رابطه عاشقانه شده، از عشق آگاهی داشته باشند و شراکت‌های عاشقانه با آگاهی دوطرف رابطه از عشق آغاز شود.

با توجه به مقدمات مطرح شده، این مقاله نگرش جوانان نسبت به روابط عاشقانه را بررسی می‌کند. از دیدگاه نگارنده، نگرش و شناخت صحیح نسبت به مقوله عشق تأثیر آشکاری بر هویت افراد و شکل‌گیری خانواده‌های سالم و به تبع آن بر جامعه خواهد داشت. این بررسی در پی پاسخ به دو پرسش است. نخست، جوانان (دختران و پسران) چه نگرشی نسبت به روابط عاشقانه دارند؟ و دوم، شرایط اجتماعی و فرهنگی جوانان (به‌خصوص دختران)، چه تأثیری بر ذهنیت آن‌ها نسبت به روابط عاشقانه دارد؟

چارچوب مفهومی پس از کشف یافته‌ها

این پژوهش بر اساس نظریه‌مبنایی انجام شده است؛ لذا در آن از نظریه خاصی برای آزمودن نظریه‌ها استفاده نشده است. چارچوب مفهومی‌ای که در این بررسی به کار رفته است در روند پژوهش شکل گرفته و پدیده‌ها بر اساس این مدل تبیین شده‌اند.

گیدنز^۱ «رابطه عاشقانه» را رابطه‌ای «پاک و خالص» معرفی می‌کند؛ ارتباطی ناب منوط بر اعتماد متقابل و استقلال طرفین و توانایی به برقراری ارتباط با یکدیگر به عنوان بزرگسالانی مستقل و از نظر عاطفی و عملی، شایسته (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۰-۱۳۲)؛ روابطی که افراد در آن «به خاطر خودشان» در میدان گام نهند، رضایت کافی به دست بیاورند و بخواهند که آن رابطه را حفظ کنند. «رابطه ناب»^۲ از دیدگاه گیدنز رابطه‌ای بری از دخالت فرهنگ، سنت، مذهب و خانواده است و به تبع آن افرادی که فی‌نفسه به خاطر خود رابطه وارد آن می‌شوند، درشرایطی به امنیت خاطر حاصل از رابطه خود می‌رسند که سنت و مذهب رنگ باخته و فردگرایی رونق گرفته باشد.

با توجه به این‌که زنان و مردان در شرایط و ساختارهای موجود ایران، قدرت اجتماعی و سرمایه‌های فردی برابری ندارند و قدرت و عاملیت در روابط دوسویه میان زنان و مردان، به مردان تفهید شده است، زنان در این اجتماع با ازدواج تعریف می‌شوند و حتی با وجود افزایش تحصیلات و کسب جایگاه شغلی، از آن حیث که اعتبار اجتماعی زنان در چارچوب برقراری ارتباط قانونی با مردان شکل می‌گیرد، هنوز به معنای واقعی کلمه مستقل محسوب نمی‌شوند. همچنین فرهنگ، سنت، مذهب و خانواده، نقشی اساسی در زندگی افراد دارد. به این دلیل، نمی‌توان در خصوص جامعه ایران، از ارتباط ناب مد نظر گیدنز حرفی به میان آورد. در واقع باید گفت، علاوه بر فقدان اعتماد متقابل و فقدان استقلال طرفین و نابرابری‌های طبقاتی، سیاسی و جنسیتی افراد در جامعه، با توجه به سایر زمینه‌های محیطی، جوانان روابطی بدون امنیت خاطر و سرشار از نگرانی و به صورت پنهانی با یکدیگر برقرار می‌کنند.

گیدنز در خصوص عامل انسانی بودن، به معنای قدرت داشتن و توانایی «ایجاد تغییر» در جهان معتقد است که در روابط موجود در نظام اجتماعی، کسانی که ظاهراً «بی‌قدرت‌ترین» افراد هستند قادرند منابع خاصی را بسیج کنند تا به وسیله آن‌ها بتوانند «فضاهای کنترل» در خصوص زندگی روزانه خود و فعالیت‌های قدرت‌مندان را پدید آورند. به نظر گیدنز، هرکسی که در رابطه‌ای اجتماعی مشارکت کند ضرورتاً کنترلی بر کیفیت این رابطه یا نظام دارد. لذا، کنش‌گرانی که در موقعیت‌های فرودست قرار دارند، صرف نظر از میزان عدم توازن قدرت

1. Giddens, Anthony

2. Pure relationship



خود، هرگز به طور کامل وابسته نیستند و اغلب مهارت زیادی در تبدیل همه منابع تحت اختیار خود به شکلی از اعمال کنترل بر شرایط بازتولید نظام دارند. به عبارت دیگر، در همه نظام‌های اجتماعی دیالکتیک، کنترلی وجود دارد به قسمی که معمولاً توازن منابع را پیوسته دست‌خوش تغییر و کل امر توزیع قدرت را دگرگون می‌کند (گیدنز: ۱۳۸۳: ۳۴۲-۳۴۰). داده‌های پژوهش حاضر و راهبردهایی که دختران در روابط عاشقانه پیش می‌گیرند و همچنین حرکت به سمت جایگاه کنشی آنها، این نظریه گیدنز را به ذهن متبادر می‌کند.

پیشینه تجربی: مروری بر پژوهش‌های مرتبط با عشق در ایران

متأسفانه، با توجه به فضای فرهنگی موجود در ایران، درباره موضوع عشق کمتر پژوهش شده است. از سوی دیگر، پژوهش‌های انجام شده عمدتاً بعد روان‌شناختی و ادبیاتی داشته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در کشور می‌توان به پژوهش طهماسب زاده، پاتو، صادقی فر، علایی و رضازاده اشاره کرد. قسمت اعظم این پژوهش‌ها با روش کمی انجام شده است لذا هیچ نوع پژوهشی با روش کیفی در خصوص نگرش جوانان به روابط عاشقانه در ایران انجام نشده است.

روش‌شناسی

با توجه به ماهیت مسأله مورد پژوهش و ضرورت مطالعه عمیق و همه‌جانبه آن و در عین حال، پیوند این موضوع با زندگی، تجربه‌ها و رفتارهای فردی، در این بررسی به منظور شناخت پدیده‌های ناشناخته از رویکرد روش‌شناختی کیفی استفاده شده است؛ زیرا خصوصیت منحصر به فرد این روش پرده برداشتن از پدیده‌های کمتر شناخته شده است. بسیاری از فمینیست‌ها، روش‌های کمی را مردود می‌شمارند زیرا معتقد هستند این روش‌ها از سویی، مدعی نوعی بار علمی اند که جامعه‌شناسی نمی‌تواند و نباید به آن متوسل شود و از سوی دیگر، در این روش‌ها با افراد همانند اشیاء رفتار می‌شود نه موجودات انسانی (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۲۷۷).

نظریه‌مبنایی

در این پژوهش از شیوه نظریه‌مبنایی^۱، از انواع رایج روش پژوهش کیفی، استفاده شد.

نظریه‌پردازی داده محور - برخلاف فرایند پژوهش خطی و نشأت گرفته از نظریه - به جای پیش فرض‌های نظری، داده‌ها و میدان مورد مطالعه را در اولویت قرار می‌دهد. بر اساس این نظریه، نباید نظریه‌ها را بر افراد مورد مطالعه (سوژه‌ها) اطلاق کرد، بلکه نظریه‌ها از طریق کار بر داده‌ها و در میدان مورد مطالعه «کشف» و صورت‌بندی می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

شیوه نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، با توجه به موضوع مورد مطالعه، مستلزم شیوه‌ای انعطاف پذیر برای گردآوری اطلاعات در سطحی وسیع است. به همین دلیل در این پژوهش نمونه‌گیری نظری^۱ با نمونه‌گیری هدفمند^۲ در یکدیگر تلفیق شده‌اند.

مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۵۰ تا ۹۰ دقیقه متغیر و زمان اجرای آن‌ها از آبان ماه سال ۱۳۸۸ تا دی ماه همان سال بود. پس از انجام دادن ۳۲ مصاحبه (۱۶ دختر و ۱۶ پسر مجرد)، مقولات و مفاهیم محوری پژوهش استخراج و اطلاعات مورد نیاز برای نظم بخشی به روابط مفهومی حاصل شد. اطلاعات مربوط به ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: مشخصات کلی

ردیف	نام	جنسیت	سن	سطح تحصیلات	شغل	مالکیت محل سکونت	طبقه اجتماعی	نوع گرایشات مذهبی	رابطه دارد/ نداشته / ندارد	سن اولین عشق	تجربه رابطه جنسی
۱	جاوید	مرد	۲۵	دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان	-	شخصی	متوسط	غیرمذهبی	داشته دارد	۱۳	دارد
۲	سودابه	زن	۲۷	دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان	آزاد	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۸	دارد
۳	فرزانه	زن	۲۶	دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان	-	اجاره ای	متوسط	مذهبی	داشته دارد	۱۸	دارد
۴	ستاره	زن	۲۷	دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان	-	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۸	دارد
۵	محمد	مرد	۲۷	دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی	کارمند	شخصی	متوسط	معتقد	ندارد	۱۸	دارد
۶	ماهان	مرد	۲۹	دانشجوی کارشناسی	آزاد	شخصی	متوسط	معتقد	داشته ندارد	۱۸	دارد
۷	بهرام	مرد	۲۷	کارشناسی مکانیک	مهندس	شخصی	متوسط	غیر مذهبی	داشته ندارد	۱۵	دارد
۸	علی رضا	مرد	۲۸	کارشناسی	آزاد	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۷	دارد
۹	مهدی	مرد	۲۹	دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی	کارمند	شخصی	متوسط	معتقد	داشته ندارد	۲۵	-

1. Theoretical Sampling

2. Purposive Sampling



ادامه جدول ۱

ردیف	نام	جنسیت	سن	سطح تحصیلات	شغل	مالکیت محل سکونت	طبقه اجتماعی	نوع گرایشات مذهبی	رابطه دارد / داشته / ندارد / نداشته	سن اولین عشق	تجربه رابطه جنسی
۱۰	پروانه	زن	۲۰	دیپلم	آزاد	اجاره ای	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۵	دارد
۱۱	سمیرا	زن	۲۲	دیپلم	آزاد	شخصی	متوسط	مذهبی	داشته ندارد	۱۴	دارد
۱۲	حسن	مرد	۲۵	دیپلم	آزاد	شخصی	متوسط	بسیار مذهبی	داشته دارد	۱۸	دارد
۱۳	حمید	مرد	۲۸	فوق دیپلم بازرگانی	آزاد	شخصی	متوسط	مذهبی	داشته دارد	۱۷	دارد
۱۴	یزدان	مرد	۲۴	فوق دیپلم IT	آزاد	شخصی	متوسط	معتقد	داشته ندارد	۱۹	دارد
۱۵	علی	مرد	۲۹	کارشناسی عمران	مهندس	شخصی	متوسط	معتقد	داشته ندارد	۲۰	دارد
۱۶	ساناز	زن	۲۸	فوق دیپلم	آزاد	اجاره ای	متوسط	معتقد	داشته ندارد	۱۷	دارد
۱۷	احمد	مرد	۲۰	دیپلم	-	شخصی	متوسط	مذهبی	داشته دارد	۱۶	دارد
۱۸	هاله	زن	۲۶	دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی	-	شخصی	متوسط	مذهبی	داشته دارد	۱۸	-
۱۹	محمود	مرد	۳۰	دانشجوی دکترا	تدریس	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۵	دارد
۲۰	زهرا	زن	۱۹	دانشجوی کارشناسی جامعه شناسی	-	شخصی	متوسط	مذهبی	داشته ندارد	۱۵	-
۲۱	سامان	مرد	۳۰	کارشناسی	آزاد	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۷	دارد
۲۲	امیر	مرد	۲۹	دیپلم	-	شخصی	متوسط	معتقد	داشته ندارد	۲۴	دارد
۲۳	صحرا	زن	۲۱	فوق دیپلم نرم افزار	-	شخصی	متوسط	مذهبی	داشته ندارد	۲۱	-
۲۴	باران	زن	۲۶	دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی	مربی ورزش	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۹	-
۲۵	گندم	زن	۲۹	دانشجوی کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی	کارمند	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۳	دارد
۲۶	شادی	زن	۲۴	دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی	روزنامه نگار	شخصی	متوسط	بسیار مذهبی	داشته دارد	۱۶	دارد
۲۷	سارا	زن	۲۲	کارشناسی جامعه شناسی	-	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۶	دارد
۲۸	کسری	مرد	۲۶	دانشجوی کارشناسی معماری	مهندس	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۲۳	دارد
۲۹	سمانه	زن	۲۲	دانشجوی کارشناسی هنر	-	اجاره ای	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۵	دارد
۳۰	مریم	زن	۲۰	دانشجوی کارشناسی جامعه شناسی	-	شخصی	متوسط	مذهبی	داشته دارد	۱۵	-
۳۱	ایلیاد	مرد	۲۳	دانشجوی کارشناسی شیخی - نساجی	-	شخصی	متوسط رو به بالا	معتقد	داشته ندارد	۲۳	دارد
۳۲	سپیده	زن	۲۸	کارشناسی ارشد مطالعات زنان	-	شخصی	متوسط	معتقد	داشته دارد	۱۸	دارد

شیوه جمع‌آوری اطلاعات

با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ اطلاعات جمع‌آوری شد؛ روشی که از آن برای نظم‌دهی یا ساخت‌دهی مجدد به نظریه‌های ذهنی استفاده می‌شود. استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته این امکان را میسر ساخته است تا بتوان ابتدا در قالب راهنمای مصاحبه و در چارچوبی به نسبت روشن و مشخص سؤال‌ها و محورهای مورد نظر پژوهش را تنظیم کرد. محورهایی که عمدتاً در این راهنما مورد نظر قرار گرفتند عبارتند از نگرش به عشق، ساختار روابط عاشقانه، کنش و واکنش‌های افراد در تجارب عاشقانه و راهبردهای آنها. متناسب با روند مصاحبه، برخی از این پرسش‌ها حذف یا تغییر یافته و به شکل دیگری عنوان شدند.

شیوه تجزیه و تحلیل و مقوله‌بندی

با توجه به این که روش مورد استفاده در این پژوهش روش کیفی است، مراحل گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن از هم جدا نیستند. به همین دلیل، در حین داده‌اندوزی، مدام به داده‌های گذشته مراجعه می‌شود. به عبارت دیگر، ساخت و تدوین مفاهیم، مقولات و گزاره‌ها در نظریه‌میدانی، گردش^۲ است (ذکایی، ۱۳۸۱: ۵۷).

تکنیک اصلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش این پژوهش، کدگذاری است که طی فرایندی سه مرحله‌ای انجام شده است. این مراحل شامل کدگذاری باز^۳، کدگذاری محوری^۴ و کدگذاری انتخابی^۵ است.

معیارهای ارزیابی

رویکرد اصلی پژوهش‌های کیفی، کشف معانی و درک آنهاست نه اثبات بعضی حقایق یا پیش‌بینی آنها (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). به همین خاطر، چگونگی تعمیم داده‌ها به سؤال پژوهش،

1. Explorative and Semi – Structured Interviews
2. Iterative
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding



به راهبرد نمونه‌گیری و روش سازماندهی داده‌ها بستگی دارد. هدف از پژوهش حاضر، مشخص کردن شرایطی است که سبب بروز یک سلسله کنش / کنش متقابل بین پدیده و پیامدهای حاصل از آن می‌شود. در نتیجه، باید گفت که یافته‌ها تنها به همان شرایط خاص تعمیم پذیر هستند.

نحوه ورود به میدان پژوهش و محدودیت‌های مربوط به آن

با توجه به این که اخلاق پژوهشی جدا از روند کلی پژوهش نیست، مشارکت داوطلبانه شرکت کنندگان در پژوهش، حفظ اسرار و گمنام ماندن آن‌ها و محفوظ نگه داشتن اطلاعات آن‌ها امری اساسی در اجرای پژوهش به شمار می‌آید. تلاش برای حداکثر رعایت دقت و مهارت در مصاحبه‌ها و پیگیری در گردآوری اطلاعات انجام شد. همچنین مصاحبه کننده در طی پژوهش فضای امن و سرشار از همدلی ایجاد کرد.

مسائل و محدودیت‌های بسیاری برای اجرای این پژوهش وجود داشت. بارزترین مسأله سختی در یافتن نمونه‌ها بود؛ به دلیل موضوع پژوهش، لزوم کنکاش در حوزه خصوصی زندگی افراد احساس می‌شد و با توجه به این که صحبت کردن حول روابط خصوصی و شخصی در فرهنگ ما سخت اتفاق می‌افتد، تلاش برای جلب اعتماد نمونه‌ها و به کارگیری راهبردهای متفاوت در طی مصاحبه با توجه به خصایص فردی و روحیه نمونه‌ها پژوهشگر را با فشار زیادی مواجه کرد.

یافته‌ها و مضامین اصلی پژوهش

سؤال اصلی پژوهش حاضر در جستجوی کشف نگرش جوانان (دختران و پسران) نسبت به روابط عاشقانه است. روش کیفی مورد استفاده در پژوهش حاضر با رویکرد نظریه پردازی داده محور و با هدف ساخت و تدوین نظریه همراه است. در نتیجه در این پژوهش کشف نظریه از داده‌ها در میدان پژوهش بر فرض‌های نظری حول محور عشق سبقت می‌گیرند و تفسیر و تعبیر داده‌ها مهمترین مرحله پژوهش به شمار می‌آید.

نگارنده نیز مانند سگالن معتقد است که بررسی تاریخی احساسات میسر نیست و نمی‌توان قاطعانه در خصوص جنبه‌های ذهنی بشری سخن گفت؛ اما در این پژوهش سعی شده است تا با به کارگیری حداکثر مستندات به بررسی نگرش جوانان در این خصوص اقدام شود.

– تصور از عشق

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که عشق به مثابه دوست داشتن، همراه با درجاتی از فداکاری برای ابژه عشق تعریف می‌شود و نشانه‌هایی از حالات فیزیولوژیکی هم‌چون تپش قلب و التهاب، عشق را از عادات و روابط معمول دیگر برای افراد متمایز می‌کند. کسری ۲۶ ساله معتقد است: «عشق یعنی دوست داشتن زیاد... عاشق همه چیزش رو واسه طرف مقابلش می‌خواد». شادی در بیان حالات عشق خود می‌گوید: «انرژی به من می‌داد، انگار قرص اکس خورده بودم یه جوری قلبم می‌زد. آرامش و قرار نداشتم...».

ایده‌آل‌گرایی در عشق

ایده‌آل‌گرایی نسبت به عشق در اغلب تعاریف ارائه شده از سوی مصاحبه‌شوندگان به وضوح دیده می‌شود به شکلی که اغلب زیبایی این حس را تا زمانی می‌دانند که در ابهام باقی بماند و تجربه نشود. نشانه‌های دیگر ایده‌آل‌گرایی با اشاره به قدرت عشق در مواجهه با مشکلات زندگی، خاصیت انرژی‌زای عشق، تعاریف استعلائی و آسمانی از عشق، ایده‌آل‌سازی معشوق و تصور روحانی از عشق همراه است. سودابه افسون ابهام در عشق را این‌گونه بیان می‌کند: «عشق به نظر من یه چیزیه که دست نیافتنی... وقتی حسش نمی‌کنی، اون وقته که اسم عشق به خودش می‌گیره». روایت رابطه فرزانه نیز در تأیید تصور روحانی از عشق است: «من هیچ‌وقت نمی‌تونستم عشق با ایشونو یه عشق زمینی کنم یعنی هیچ‌وقت نمی‌تونستم باهاش ازدواج کنم».

تحول مفهوم عشق در تجارب

نگرش ایده‌آلی از عشق در برخی تعاریف دست‌خوش تحول می‌شود. این رخداد و دگرگونی در مفهوم عشق اغلب در مواجه شدن با واقعیت رخ می‌دهد. زهرا فرو ریختن تصویر ایده‌آلی معشوق را پس از شکست در رابطه حس می‌کند. او این‌گونه روایت می‌کند: «الان برام تجربه شده هیچ‌وقت آدمای رو برای خودم بت نکنم». علی، پس از مواجه شدن با واقعیت رابطه به فرو ریختن تصویر ایده‌آلی که از معشوق ساخته بود اشاره می‌کند: «وقتی اون (معشوق) این حرف‌ها رو زد تمام چیزهایی که تو ذهنم



ازش ساخته بودم ریخت پایین».

در بسیاری از تعاریف از عشق به مثابه یک حس و نیاز، عشق به مثابه وابستگی و به مثابه تجربه‌ای یاد می‌شود که مستلزم تفکری عقلانی و منطقی است. تصور فرشته‌وشی از عشق که گویای عشق‌های افلاطونی و بدون رابطه جنسی است اغلب در عشق اول معنا می‌یابد و روابط عاشقانه بعدی همراه با رابطه جنسی تعریف می‌شود.

ناهمسویی نگرش و رفتار - سیر صعودی نزولی روابط عاشقانه

تفاوت در نگرش و رفتار به شکل واضحی در روایات افراد رخ می‌نماید به گونه‌ای که افراد حتی گاهی با مواجه شدن با واقعیت، نگرش‌های پیشین خود به عشق را زیر سؤال می‌برند و حتی وجود عشق را منکر می‌شوند. نگرش‌های ایده‌آل و معجزه‌آسایی نسبت به عشق، تصور آرمانی از معشوق و بعد مواجه شدن با واقعیت عشق، سیری صعودی و نزولی در روابط جوانان ایجاد می‌کند. نقطه عطف این صعود و نزول در مواجه شدن با واقعیت و ملاقات عینی با معشوق اتفاق می‌افتد؛ در این زمان است که فضای رمانتیک رابطه عاشقانه شکسته می‌شود به گونه‌ای که در ابتدای رابطه میل زیاد به باهم بودن و ابراز تمایلات عاشقانه وجود دارد، اما مواجهه با واقعیت، به ابراز احساسات و علاقه سیر نزولی می‌دهد. این موضوع تبعات سردی رابطه را در پی داشته و اغلب سبب ایجاد تمایل به بیرون آمدن از رابطه و جست و جو برای یک معشوق ایده‌آل دیگر را می‌شود.

- نگرش به روابط عاشقانه

شرایط محیطی

شرایط خاص محیطی مربوط به روابط عاشقانه در این زمینه نقشی مهم ایفا می‌کنند. زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، اعتقادی، قانونی و خانوادگی به منزله زمینه‌های ساختاری وسیع‌تری است که در راستای تسهیل یا محدودیت راهبردهای آن عمل می‌کنند. سمیرا ۲۲ ساله در این خصوص می‌گوید: «اجتماع ما خیلی تأثیر داره، نگاه‌ها رو محدود می‌کنه، نمی‌تونم قدم بزنی توی خیابون. این‌که ماها اجازه نداریم از عشقمون صحبت کنیم و این محدودیت بدیهه».

مهدی می‌گوید: «سریعاً انگ می‌خوری؛ چون همه در مظان اتهام هستن. احساس می‌کنم افراد محتاطانه عمل می‌کنن».

زهرآ می‌گوید: «قشنگ روبروی عشق، اعتقادتم رو می‌دیدم. هی اون احساسو سرکوبش می‌کردم، به خاطر همین خیلی رنج بردم...».

سپیده می‌گوید: «قانون ما بر مبنای کلیشه‌ها، ارزش‌های زن و مرد رو تعریف می‌کنه... و این باعث میشه که آدم‌ها برای به دست آوردن ارزش‌ها نقش‌هایی رو بازی کنن».

شرایط خانواده و اعمال فشار خانواده، به خصوص بر روی دختران، از جمله موانع ایجاد امنیت خاطر در رابطه است. باران در اثبات این مسأله روایت خود را این‌گونه بیان می‌کند: «من رابطه‌مو با این شروع کردم همش بابام می‌گفت این کیه؟ چیه؟ من باید ببینمش، باید بدونم با کی میری بیرون».

اضطراب ازدواج

با وجود این که در کشور ما ازدواج به مثابه تنها راه قانونی و مشروع ورود به حوزه روابط با جنس مخالف است، اما در میان نسل امروز، به خصوص در شهری چون تهران، ورود به این حوزه به طور معمول در سنین بالا اتفاق می‌افتد. دلایل زیادی برای دوری گزیدن جوانان از ازدواج وجود دارد. مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب می‌شوند جوانان به دنبال شناخت بیشتر و عاقلانه‌تر از هم برآیند تا ازدواجی حسابگرانه داشته باشند.

افزایش سن ازدواج همگام با شدت اضطراب ازدواج برای دختران از سوی جامعه، فرهنگ و اضطرابات ناشی از آن، در کنار فقدان اعتبار و ثبات اجتماعی آنها، موجب می‌شود که دختران با هر تحصیلات و طبقه اجتماعی، خود را ملزم به ورود و پذیرش روابط زناشویی بدانند هرچند با توجه به تفاوت‌های خانوادگی، فرهنگی، طبقاتی این اضطراب در میان دختران از شدت و ضعف برخوردار است.

روایت شادی نشان واضحی از اضطراب ازدواج است: «افسرده شده بودم، حاضر بودم هرکس بیاد من عروسی کنم، الان با این که این اصلاً به من نمی‌خوره نامزد شدم. اون اومد یه ذره آرامش گرفتم اینکه نگران ازدواجم نیستم دیگه تموم شد این اضطراب ازدواجو ندارم».



روابط مقطعی

اضطراب ازدواج دختران در کنار علاقه به ایجاد ارتباط با جنس مخالف به دلیل نیازهای عاطفی می‌تواند زمینه ساز ورود دختران به روابط مقطعی شود. باید گفت ازدواج موقت (صیغه) که به لحاظ قانونی و شرعی مورد پذیرش ساختار فرهنگی حاکم است، همگام با نوع فرهنگ مصرفی وارد شده و تغییرات اجتماعی تحت تأثیر جهانی شدن و گسترش ارزش‌های مدرن، به خصوص در شهرهای بزرگ ایران، بر روی نگرش افراد تأثیرات به سزایی داشته است. در نتیجه شاهد گسترش روابط مقطعی، به خصوص در قالب نامشروع آن، در ایران هستیم.

پسران به ایجاد این نوع از رابطه متفاوت با دختران تمایل بیشتری نشان می‌دهند، زیرا دختران امکان کمتری برای روی آوردن به روابطی سطحی و زودگذر دارند. ضرورت ازدواج و محدودیت سنی برای آن‌ها و این‌که هرچه قدر از مرز سن ازدواج بگذرند - چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی، با توجه به اینکه تا چه حد از سرمایه‌های مؤثر در ازدواج همچون سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی برخوردار باشند - سبب می‌شود فرصت‌های ازدواج را از دست بدهند. از سوی دیگر، خطر بالایی که باید در روابط سطحی متحمل شوند، روابطی که موجبات خدشه دار شدن عفت و انگ‌های اجتماعی را در پی دارد، آن‌ها را از برقراری این روابط نامطمئن به هراس و می‌دارد.

با وجود این، انگیزه ازدواج گاهی آن‌ها را به سمت این روابط می‌کشاند. ایلیداد در این مورد می‌گوید: «یارو طرفو عاشق خودش می‌کنه بعد باهاش رابطه جنسی برقرار می‌کنه، بعدشم می‌گه برو. دخترا می‌گن باهام ازدواج کن ولی پسرا سوء استفاده می‌کنن». باران نیز در مورد خطرهایی که دختران برای قرار گرفتن در پیوند ازدواج می‌پذیرند سخن می‌گوید: «طرف می‌گه من عاشقتم بیا با هم باشیم بعد می‌گیرمت. خب خیلی از این اتفاقا افتاده و دختره حامله شده و پسره پا به فرار...».

عاملیت - پیشگام شدن

با وجود اهمیت ازدواج در زندگی دختران، شرایط اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای است که عاملیت در روابط پیش از ازدواج با پسران است. اغلب مصاحبه‌شوندگان در روایات خود

اذعان داشتند که عاشق شدن را چه در رابطه یک سویه و چه دوسویه تجربه کرده‌اند. تمایل به عاشق شدن و عاشق بودن، با حفظ تفاوت در شیوه و شدت عاملیت، در هر دوجنس وجود دارد. دختران کمتر عشق خود را در ابتدا بروز می‌دهند و به صراحت بیان می‌کنند و این پسران هستند که با پیش گام شدن، فاعل گام اول به حساب می‌آیند به شکلی که حتی با دریافت پاسخ منفی از جانب جنس مخالف از تلاش مجدد منصرف نمی‌شوند. علیرضا در این خصوص می‌گوید: «اگه کسی رو دوست داشته باشم و اون نپذیره... وقتی به ایمان می‌رسم عشقم رو رو می‌کنم دیگه مهم نیست که بپذیره و یا نپذیره من تلاشمو می‌کنم».

دختران با توجه به تجربه‌های زیسته خود و اطرافیان خود پیشگام شدن را با احتمال طرد شدن، شکستن غرور و سوء استفاده همراه می‌دانند. سارا می‌گوید: «می‌دونستم اگه بهش بگم چقدر دوسش دارم عاشقم نمی‌شه، سعی می‌کنم مٹ دخترای دیگه یه مدت با منم باشه».

در نتیجه، تلاش دختران برای کسب جایگاه عاملیت و سوژگی در عشق معمولاً با بی سرانجامی همراه است. زهرا می‌گوید: «همش توی ذهنم بود که پسرایه جورین که اگه بهشون ابراز بشه زود همه احساسی که دارن میره. دوست دارن طرف مقابلشون بیشتر مغرور باشه، معشوق باشه».

بهرام می‌گوید: «به جاهایی، می‌دونی طرف خیلی دوست داره، حاضره بخاطرت هر کاری بکنه، دوست داری این حس رو تو هم داشته باشی ولی خب راهی وجود نداره».

در نتیجه، تلاش زنان در تغییر نقش و علاقه آن‌ها به فاعلیت در عرصه عشق اغلب با موانع اجتماعی و مصایب فرهنگی مواجه است و با وجود تمایل به عاملیت در عشق، مدام در جایگاه سنتی ابراه عشق قرار می‌گیرند و حتی با وجود بی‌علاقگی به طرف مقابل، برخلاف پسران، به دلایلی نظیر اضطراب ازدواج می‌پذیرند که وارد رابطه شوند. باران در این خصوص می‌گوید: «ممکنه یه دختر عاشق باشه اما اون پسر نخواد توی رابطه بیاد، اما یه دختر اگه بدونه یه پسر عاشقشه، به امید اینکه ممکنه عاشقش بشه، توی رابطه میره؛ مثل خودم».

بنابراین، دختران دل در گروی عشق مردی می‌نهند که از حضور او در میدان عشق اطمینان



حاصل کنند. اگرچه گاهی پس از ورود به رابطه، تلاش برای تصاحب جایگاه کنش‌های ثانویه از سوی آن‌ها اتفاق می‌افتد، اما از قرار گرفتن در جایگاه معشوق ابراز بی‌زاری می‌کنند. روایت سمانه به وضوح این مسأله را نشان می‌دهد: «از این‌که همیشه انتخاب بشم، عاشقم میشن، خسته میشم؛ بعد سعی می‌کنم باهاشون کنار بیام؛ منطقی عمل کنم؛ چیزی که به نفعم هست».

گسترش عاملیت دختران

در کنار این داده‌ها، داده‌های دیگری نیز به دست آمد که نشان می‌دهند با وجود بسیاری از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی منع‌کننده کنش عاشقانه زنان، تلاش‌هایی از سوی آن‌ها برای کسب این جایگاه دیده می‌شود. دیده شدن، هدایت رابطه به سمت ازدواج و سایه شدن پسران، راهبردهای دختران و پسران در روابط عاشقانه است و این واقعیت را به ذهن متبادر می‌کند که گویی دختران در تلاش برای گسترش ویژگی عاملیت خود در روابط عاشقانه هستند و از ایفای نقش معشوق بودن خسته شده‌اند.

دیده شدن

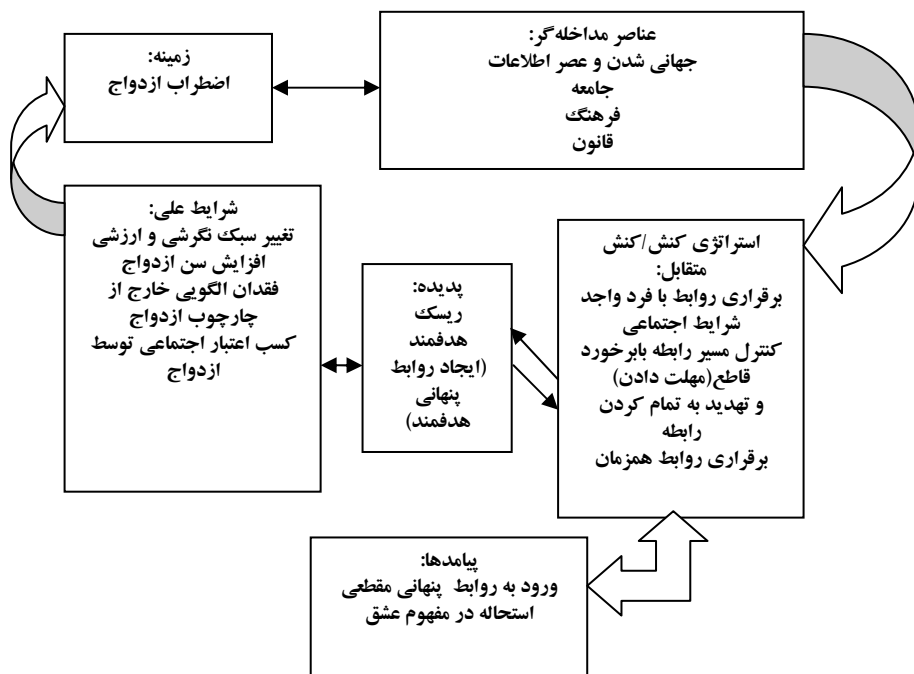
روایات و مصاحبه‌ها حاکی از آن است که دختران خود به تولید زمینه‌هایی برای ایجاد رابطه عاشقانه اقدام کنند تا به سوی عاملیت در حرکت باشند. دختران پس از مدت‌ها تجزیه و تحلیل طرف مقابل و اطمینان حاصل کردن از احساس عشق در خود پیشقدم می‌شوند، اما این ابراز مستقیم در موارد کمی دیده می‌شود. اغلب دختران در مواجهه با احساس عشق خود به جای بیان مستقیم احساس خود، سعی دارند به روش‌های گوناگون در معرض دید واقع شوند؛ شیوه‌هایی که در اصطلاح عامه مکر یا ترفند زبانه نامیده می‌شود. تلاش برای ایجاد رابطه با برقراری ارتباط غیرمستقیم، لبخند، آرایش، ناز و عشوه، محبت کردن و به نوعی اجازه ورود به پسر مورد علاقه به حریم شخصی خود و به عبارتی با چراغ سبز نشان دادن به پسر اتفاق می‌افتد. زهرا دیده شدن را اینگونه بیان می‌کند: «به ارتباط غیرمستقیمو باهاش شروع کردم، اولش به وبلاگش ایمیل زدم بعد سعی کردم جلوی چشمش باشم، هر جا اون هست».

هدایت رابطه به سمت ازدواج

دختران مدام در حال سبک و سنگین کردن خطرهای رابطه، کنترل و هدایت آن به سوی جاده ازدواج هستند. ساناز می‌گوید: «وقتی می‌بینم هدفی نداریم، آینده‌ای جلومون نیست کامل بهم می‌ریزم، می‌گم بهتره این رابطه تموم شه». سمانه نیز در این خصوص می‌گوید: «سعی کردم روی تصمیم خودم باشم و دیگه برنگردم چون اگه اون می‌خواست با خانواده وارد میشد نه از طریق من، اینو فهمیده بودم که اینجا بازیچه شدم».

سایه شدن

راهبردهای تظاهر به بی‌تفاوتی در پسران به منظور جلب توجه دختران، نشان می‌دهد که دختران نیز از کاهش عاملیت پسران و تغییر در جایگاه سوژگی آنها در روابط عاشقانه استقبال می‌کنند. سایه شدن در روابط، واکنشی است که پسران با اعمال آن قدرت جذب بیشتری را به دست می‌آورند. ماهان، با اشاره مستقیم به این مقوله در تجربه اطرافیان خود می‌گوید: «من عشقو چیززی به اسم سایه قبول ندارم، ولی این اصطلاح متأسفانه خیلی جا افتاده؛ یعنی شما به هر کسی بیشتر بی‌محلی کنی، بیشتر میاد سمتت. تا به طرفش می‌ری ازت دور میشه». در نتیجه روابط امروز جوانان اغلب بدون ابراز صریح عشق از سوی دو طرف به مسیر خود ادامه دهد؛ دوستی‌های آرام و خاموش بدون ابراز کلامی و پیشنهاد مستقیم. با بهره‌گیری از روش «نظریه مبنایی» می‌توان ساختار درونی ارزش‌ها، نگرش‌ها و تجربه‌های زیسته جوانان را در جامعه ایران درک کرد. از تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌توان به مدل پارادایمی زیر دست یافت.



نمودار ۱: خطر هدفمند

نتیجه‌گیری: خط داستانی پژوهش

خط داستانی در واقع، حاصل مفهوم‌سازی و شرحی انتزاعی و چکیده‌ای از داستان‌های فردی است. در واقع خط داستانی منتج از یک پژوهش کیفی، گروه‌ها و پیوندها و مضامین مشترک میان روایت‌ها و تجربه‌های زیسته را هویدا می‌کند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۸۸، به نقل از سفیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

اهمیت رابطه ناب و عشقی آزادانه در جوامع امروز به مسأله و دغدغه اصلی جوانان تبدیل شده است که بدون آن روابط انسانی دچار مشکلات، تضادها و نابسامانی خواهد شد. در کشور ما نیز دغدغه وجود رابطه سالم در میان مردم موج می‌زند، اما زمینه‌های ایجاد آن در میان

جامعه دیده نمی‌شود. علاوه بر آن، زمینه‌هایی در جهت نفی رابطه سالم در بین ساختارها و نهادهای حاکم به چشم می‌خورد.

بیوند ازدواج با عشق در دوران مدرن به شعار اصلی افراد بدل شده است و در همه جای دنیا ازدواج روز به روز اختیاری‌تر می‌شود. تغییرات اجتماعی تحت تأثیر جهانی شدن، گسترش ارزش‌های مدرن، کسب اطلاعات از طریق وسایل ارتباط جمعی به خصوص در شهرهای بزرگ ایران بر روی نگرش افراد در زمینه روابط عاشقانه تأثیرات به‌سزایی داشته‌است. همچنین، وجود فضاهای اجتماعی گسترده‌تر همچون دانشگاه و محل کار، امکان تعامل و شناخت بیشتری را برای دختران و پسران فراهم آورده است. این عوامل موجب شده است جوانان تا حدی احساس کنند که مهارت‌های لازم را برای ارتباط با جنس مخالف کسب کرده و قادر هستند از استقلال بیشتری در انتخاب همسر برخوردار باشند. این‌گونه است که جوانان خود را برای تجربه‌های عاشقانه پیش از ازدواج آماده می‌کنند، در حالی که هنوز زمینه مناسبی برای روابط پیش از ازدواج از سوی جامعه و فرهنگ مهیا نشده است و ازدواج همواره تنها راه مطلوب و مقبول ایجاد رابطه به لحاظ عرفی و شرعی تلقی می‌شود.

تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها، در کنار افزایش سن ازدواج و فقدان الگویی فرهنگی برای ایجاد روابط عاشقانه، موجب شده است تا جوانان خود به تولید دو شکل از رابطه با عنوان روابط مقطعی و عاشقانه اقدام کنند. روابط مقطعی در دوره‌های زمانی محدود و بیشتر صرف برآوردن نیازهای مقطعی و فروخته ایجاد می‌شود که حاصل آن بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی است. قرار گرفتن دختران نیز در این نوع روابط به مراتب کمتر از پسران است. حضور دختران در روابط عاشقانه نیز با تقابلی از سنت و مدرنیته همراه است. گسترش ارزش‌های مدرنیته، الگوی آزادی در روابط را به افراد القا می‌کند، حال آن‌که، در جامعه ما ارزش‌های سنتی و تعاریف کلیشه‌ای برای دختران با شدت بیشتری اعمال می‌شود و دختران را با اضطراب ازدواج مواجه می‌کند. بنابراین، دختران در روابط عاشقانه با رویکردی سنتی - مدرن وارد می‌شوند. جنبه مدرن آن در قرارگرفتن دختران در روابط خارج از چارچوب ازدواج و جنبه سنتی آن در قرارگرفتن در رابطه با هدف ازدواج رخ می‌نماید. در نتیجه، دختران به خطری هدفمند دست می‌زنند و به این طریق ازدواج به سبک مدرن را برمی‌گزینند. با توجه به این‌که ازدواج هدف و انگیزه اصلی دختران برای ورود به این نوع از روابط است آن‌ها تمام تلاش خود را برای



منتهی شدن رابطه عاشقانه به ازدواج انجام می‌دهند. دختران شرایط را سبک و سنگین کرده و رابطه را با وجود تمام خطرهای آن می‌پذیرند و دست به اعمالی می‌زنند تا بر خطرهای مرتبط با ازدواج نظارت داشته باشند. تعیین ملاک‌های اجتماعی و خانوادگی مناسب برای ازدواج، اجتناب از قرارگرفتن در معرض آسیب‌های موجود در رابطه، حفظ بکارت و از سوی دیگر، حفظ آبروی خود و خانواده با پنهان کردن این نوع از روابط و دیده شدن با هدف ایجاد تغییر در جایگاه کنشی و خاتمه دادن به رابطه‌ای که احتمال منجر شدن آن به نتیجه ازدواج کم باشد، از جمله راه‌های کنترلی دختران است.

هدف از پردازش تفصیلی مقوله «خطر هدفمند» نسبت به سایر مقولات، این بود که این پدیده در هر مصاحبه و مشاهده به طرز قوی خود را نشان داد و دختران از علاقه خود به روابط هدفمند و کنترل خطرهای مربوط به آن سخن گفتند. هرچند شدت و ضعف خطرها با توجه به نوع خانواده، سطح تحصیلات و آگاهی دختران متفاوت است.

کنترل روابط به سوی ازدواج بارقه‌های کوچکی از تمایل به عاملیت است که با نگاهی عمیق‌تر به داده‌ها و حضور نشانه‌هایی از میل دختران به تغییر جایگاه کنشی، می‌توان شعله‌های کوچکی از آن را شاهد بود. علاوه بر راهبردهای جذب پسران توسط دختران، شامل ناز، عشوه و برقراری ارتباط‌هایی به شکل اجتماعی و غیر مستقیم، نشانه‌های دیگر زمینه ساز عاملیت زنان در راهبردهای پسران برای جذب دختران هویدا است. پسران معتقد هستند با ابراز بی‌تفاوتی نسبت به دختران و به اصطلاح سایه شدن در روابط، قدرت جذب بیشتری خواهند یافت. استفاده از این راهبرد در پسران و اتخاذ شیوه‌هایی برای دیده شدن و نشان دادن خصایل خود به دختران برای جذب و شیوه‌های راهبرد جذب مشابه در دختران، روند رابطه را به شکلی هدایت می‌کند که اغلب با دوستی‌های آرام و خاموش، بدون ابراز کلامی همراه شده و در صورت پذیرش یکدیگر به رابطه عاشقانه منجر می‌شود.

مروری بر سابقه فرهنگی - تاریخی روابط عاشقانه در ایران نشان می‌دهد که دختران سال‌ها بر جایگاه معشوق نشسته و پسران عاملیت و نقش عاشق را داشته‌اند. این عاملیت مستقیم هنوز در جامعه ما به چشم می‌خورد. داده‌ها حاکی از آن است که اغلب پسران حاضر به برقراری رابطه‌ای نخواهند شد که آغازگر آن یک دختر باشد. در صورتی که دختران این امکان را برای خود محتمل می‌دانند که پس از ابراز علاقه از سوی پسری که هیچ احساسی

نسبت به او ندارند عاشق شوند. در روابطی که صرفاً دختر مایل به برقراری آن ارتباط است احتمال طردشدن، سوءاستفاده و قرارگرفتن در رابطه‌ای مقطعی وجود دارد، تجربه‌ای که هر دو جنس با آن مواجه شده‌اند. این نوع از عاملیت که می‌تواند متأثر از اضطراب ازدواج نیز باشد، به نوعی بر اساس سرمایه‌های فردی زنان، شدت و ضعف می‌یابد. این امر بیان‌کننده آن است که تلاش زنان برای رسیدن به برابری در جایگاه کنشی روابط عاشقانه با پرداخت هزینه و آسیب فراوان از سوی آن‌ها همراه است و اغلب یک سویه باقی خواهد ماند. بنابراین، در هیچ رابطه‌ای شاهد عاملیت مستقیم دختران نیستیم. در نتیجه، ورود به این نوع روابط برای دختران آزادانه اتفاق نمی‌افتد. این عاملیت در طول رابطه و اتمام آن نیز اغلب با پسران است، به عبارتی پیچ تنظیم قدرت رابطه هنوز در دست آن‌هاست.

نابرابری در این نوع از روابط، تنها در تبعیض عاملیت نیست، بلکه در خطرهای بیشتری است که دختران با حضور در این روابط می‌پذیرند. ریسک‌پذیری در دختران با توجه به نوع خانواده، عقاید مذهبی و فرهنگی، از شدت و ضعف برخوردار است به گونه‌ای که برخی از دختران برای به حداقل رساندن خطر از راهبرد خیالپردازی و ایده‌آلسازی معشوق و ایجاد رابطه‌ای ذهنی و یک‌طرفه استفاده می‌کنند. راهبرد دیگر آن‌ها در کم‌کردن خطر ورود به دنیای ارتباط مجازی است و هر دو نوع این راهبردها موجب افسردگی و کاهش مهارت‌های اجتماعی می‌شود.

با این حال نگرش ازدواجی دختران در کنار علاقه به ایجاد ارتباط با جنس مخالف به دلیل نیازهای عاطفی و جنسی، اغلب موجب پذیرش خطرهای سنگینی چون برقراری رابطه جنسی شده و آن‌ها را در معرض خطرات و پیامدهایی قرار می‌دهد که گاه خارج از کنترل آن‌ها است. اهمیت ازدواج برای دختران و پیشنهاد آغاز یک رابطه به آن‌ها به بهانه ازدواج به همراه پنهان‌کاری در این روابط، گاه به سوءاستفاده پسران از آن‌ها منجر خواهد شد در حالی که هیچ ضمانت و پیگرد قانونی وجود ندارد.

راهکاری که جوانان برای بهبود روابط پیشنهاد می‌دهند رشد در جامعه‌ای بدون تفکیک جنسیتی، آموزش جنسیتی به فرزندان توسط والدین و ساخت زمینه‌هایی سالم و بی‌دغدغه برای ارتباط دختران و پسران در سنین پیش از ازدواج توسط جامعه و دادن فضایی ناب همراه با امنیت خاطر برای بیرون‌جستن از لاک پنهان‌کاری در روابط است.



به هر حال باید گفت، زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و قانونی در ایران و اعمال محدودیت‌ها توسط نهادهای قانونی و اجتماعی و نیز وجود نابرابری‌های اجتماعی و جنسیتی به مشکلات حاصل از روابط عاشقانه دامن می‌زنند. در واقع، بهبود این روابط مستلزم تغییر در شرایط محیطی و از بین بردن عوامل محدودکننده و کاهنده در شناخت دو جنس از هم، در کنار به تعادل رساندن جایگاه زنان و مردان است.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلا، (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی زنان*، چاپ چهارم، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- برادشاو، جان، (۱۳۸۱). *آفرینش عشق*، چاپ اول، ترجمه جواد شافعی‌مقدم و نیره ایجادی، تهران: پیکان.
- ذکایی، محمد سعید، (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷. (ص ۶۹ - ۴۹).
- سفیری، خدیجه و همکاران، (۱۳۸۸). «برساخت اجتماعی و فرهنگی مساله اجرای مهریه در ایران: مطالعه کیفی انگیزه‌های زنان شیرازی از به اجراگذاردن مهریه‌های خود»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۴. (ص ۱۲۱-۸۹).
- فلیک، اووه، (۱۳۸۷). *درآمدی بر روش پژوهش کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳). *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن، (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران: نی.
- لپ، اینیاس، (۱۳۷۷). *روان‌شناسی عشق ورزیدن*، چاپ چهارم، ترجمه کاظم سامی و محمود ریاضی، تهران: چاپخش.
- محمدی، بیوک، (۱۳۸۷). *درآمدی بر روش پژوهش کیفی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



نویسندگان

Mahshid. safaei@yahoo. com

مهشید صفائی

- کارشناس ارشد مطالعات زنان گرایش زن در خانواده. دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی. سال دریافت: ۱۳۸۸
- کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبایی. سال دریافت: ۱۳۸۵
- پژوهشگر نمونه سال ۱۳۸۴ مقطع کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی.
- نویسنده کتاب شعر «نامه‌های دختری به خورشید». انتشارات حمیدا، تهران، ۱۳۸۰.
- نویسنده مقالات (چاپ شده):
- فرهنگ و جهانی سازی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵، سال ۱۳۸۱.
- زبان، راهی برای نفوذ صهیونیسم، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۸۳.
- نگاهی جامعه شناختی به تحولات جوانی در ایران، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۳، آذر ۱۳۸۹.
- و...